

دیدها


سال سوم، شماره ۱۳، فروردین ۱۴۰۰
انجمن های علمی دانشجویی
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران



فهرست مطالب



انجمن‌های علمی دانشجویی
دانشگاه ملی علم و فناوری

 @ Sam_ut

 @ Sam.ut

۱

سخن سردبیر

۲

کلان داده به زبان ساده؟

۳

پرونده‌ی ویژه :

گزارش خلاصه مدیریتی دومین پیمایش فراهم کنندگان

سرویس‌های کلان داده‌ها (پردازشگران) در ایران

۸

درایت در فناوری اطلاعات

۱۰

نظراتی در مورد کاربرد کلان داده در امور مالی

و رشد شرکت‌های بزرگ

۱۵

گام به گام تا یک تحلیل خوب بورسی

۱۸

مصاحبه‌ای درمورد ادغام بانک‌ها

سر دبیر:
صفا روشن فکر

صاحب امتیاز:
انجمن‌های علمی دانشجویی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مدیر مسئول:
سما صداقت

A close-up photograph of a fountain pen and an ink bottle. The pen is silver with a black grip section and a gold-colored nib. It lies diagonally across a piece of white paper. To the left of the pen is a dark, octagonal glass ink bottle with its black cap removed. The background is a warm, yellowish-gold color. The title 'سخن سردیر' is written in a stylized, calligraphic Persian font on the right side of the image.

سخن سردیر

به نام خدا

دفعه‌ی قبل که در تب و تاب چاپ این شماره بودیم، این خاک اتفاقاتی را به خود دید که قلبمان را فشرد، ناباورانه اشک ریختیم ولی باز ادامه دادیم.

اوایل اسفند، چنان که در خاطره‌ی دانشجویی همی‌ما که این روزهای آخرالزمانی را نفس می‌کشیم حک شده، آغاز اعلام رسمی شیوع بیماری‌ای بود که دانشکده را از پوستره‌های حفظ فاصله پر کرد و لبخندهایمان را پشت ماسک بقا پنهان.

ترسیدیم، دور شدیم ولی باز ادامه دادیم.

پس همچنان با دلی تنگ برای لحظه‌های سپری شده در کنار هم، به امید شادی‌هایمان در روزی که منتظرش هستیم پیش می‌رویم، به احترام زندگی.

که هنوز صبرمان به قامت بلند آرزوست...

سما صداقت - سعید بهروزی‌فر - علی ابراهیمیان - صالح ملکی
دکتر نتاج ملک‌شاه - دکتر اسمعیل گیوی - فاطمه مظفری



کلان داده به زبان ساده

ما روزانه با سرعت زیادی در حال تولید و لو دادن اطلاعات در شبکه‌های مجازی، اپلیکیشن‌های حمل و نقل، نقشه‌ها و ... هستیم. به زبان اعداد ما هر روز ۵۵ میلیون عکس در اینستاگرام، ۳۴۰ میلیون توئیت و یک میلیارد سند در گوگل از خود به جا می‌گذاریم. به این حجم زیاد از اطلاعات، بیگ دیتا یا کلان داده گفته می‌شود که مهم‌تر از خود آن، نحوه‌ی تحلیل داده‌ها خلق ارزش می‌کند. برای استفاده از کلان داده نیازی به کامپیوترهای غول‌پیکر نیست، بلکه فضای ابری و الگوریتم‌های از پیش تعیین‌شده جزئی‌ترین اطلاعات این دنیای بی‌نهایت را نیز قابل دستیابی می‌کند. بعنوان مثال نتفلیکس با آگاهی از کلان داده‌های مربوط به الگوی تماشای کاربرانش، برنامه‌های محبوب آن‌ها و ... تولیدات موفق‌تری را در دستور کار قرار می‌دهد که با سلیقه و ذائقه‌ی بینندگان در انتخاب بازیگران، سبک خط داستانی و ... تا حد زیادی سنخیت دارد. با توجه به استفاده‌ی روزافزون از کلان داده و تحلیل آن‌ها می‌توان این حوزه را نجات‌بخش سلامتی نیز دانست. آگاهی از DNA افراد برای پیش‌بینی بهترین روش درمان آن‌ها، نویدبخش تسهیل درمان بیماری‌های ژنتیکی فراوانی خواهد بود. و این‌ها همچنین نخستین قدم‌های دنیای بی‌حد و مرز دیتا هستند ...

پرونده ویژه:

گزارش پیش رو خلاصه و چالش‌های حوزه‌ی کلان داده در ایران را بررسی می‌کند و ارزش آن در بعد دانشجویی شناخت وضعیت حاضر و دریافت فرصت‌های موجود می‌باشد.



گزارش خلاصه مدیریتی

دومین پیمایش فراهم کنندگان سرویس های کلان داده ها (پردازشگران) در ایران

۱. مقدمه

براساس آمار موسسات بین المللی پیش بینی می‌شود میزان درآمد صنعت کلان داده‌ها از مقدار ۷.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به میزان ۱۰۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۷ خواهد رسید. براساس این پیش بینی در سال ۲۰۱۹ درآمد این صنعت به مقدار ۴۹ میلیارد دلار می‌باشد. یکی از دلایل چنین رشد سریعی را می‌توان پی بردن کسب و کارهای ارائه دهنده خدمات کلان داده‌ها (پردازشگرها) به اهمیت داده و توسعه فناوری ها و خدمات مناسب برای ذخیره سازی و تحلیل داده‌ها دانست.

از این رو وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان متولی صنعت ICT در کشور و نیز در راستای اجرای سند راهبردی برنامه ششم توسعه کشور و به منظور تحقق هدف کمی "رصد و ارتقاء دانش داخلی در کشور"، فناوری کلان داده‌ها را به عنوان یکی از فناوریهای نوین و موضوعات محوری برای توسعه کسب و کارهای مرتبط با فاوا شناسایی کرده است.

مستند حاضر، گزارش خلاصه مدیریتی اهم یافته‌های دومین پیمایش پردازشگران در ایران در سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

هدف پیمایش پردازشگران، شناسایی وضعیت موجود زیست بوم کلان داده‌ها و چالش‌های توسعه آن و بررسی روند تغییرات در سال‌های متوالی در کشور به منظور برنامه‌ریزی برای تعیین راهبردهای صحیح و توانمندساز در راستای ایجاد و ارتقای زیست بوم و صنعت کلان داده‌ها و تدوین چارچوب رگولاتوری و نظارت بر ارائه سرویس‌های مربوط به این فناوری در کشور بوده است.

۲. اهم مشاهدات و یافته‌های دومین پیمایش کلان داده‌ها در ایران

مهمترین مشاهدات و یافته‌های دومین پیمایش شرکت‌های فراهم کننده سرویس‌های کلان داده‌ها در ایران به تفکیک حوزه‌های مختلف به شرح زیر می‌باشد:

۲-۱- برنامه ریزی و سیاست گذاری

• مهمترین چالش کلان داده‌ها در سطح حاکمیتی از دیدگاه شرکت‌های خصوصی عبارت است از محدودیت همکاری با شرکت‌های خارجی فعال در حوزه کلان داده‌ها، «عدم دسترسی به اطلاعات و نیازهای بازار کلان داده‌ها در کشور» و «باز نبودن داده‌های دولتی». باز نبودن داده‌های دولتی که برای دومین سال پیاپی از سوی فعالان این حوزه مورد تأکید قرار می‌گیرد نیازمند اراده جدی نزد تصمیم گیران جهت «آزادسازی داده‌های دولتی» و ایجاد سیاست‌ها و ساختار لازم برای «حکمرانی داده‌ها» در سطح ملی می‌باشد. اهمیت این موضوع با توجه به اینکه رشد کلان داده‌ها در بسیاری از کشورهای مختلف دنیا به دلیل توسعه سیاست‌های داده‌های باز دولتی می‌باشد، افزایش می‌یابد. در حال حاضر ایران با باز کردن ۲۱ درصد از داده‌های دولتی دارای رتبه ۶۷ از بین ۹۴ کشور بوده است. از این رو نیاز است با هماهنگی‌های بین دستگاهی برنامه ریزی و سیاست‌گذاری مناسب در این حوزه صورت گیرد.

۲-۲- نوآوری و فناوری

• ۶۰ درصد از شرکتهای کلان داده کشور در یک دهه گذشته تأسیس گردیده‌اند که این امر نشان دهنده رشد روز افزون کسب و کارها بر اساس مقایسه نتایج پیمایش‌های انجام شده در دو سال متوالی در این حوزه بوده است. از این رو پیش بینی می‌شود با توجه به رشد روزافزون کاربردها و نوآوری‌ها در این حوزه، در سالهای آتی شاهد افزایش تعداد ارائه دهندگان خدمات کلان داده‌ها در کشور باشیم که نیازمند شناخت صحیح از توانمندی‌های این شرکت‌ها و کمک به تقویت آنها در جهت افزایش کیفیت خدمات از طریق نهادهای تنظیم‌گر در این حوزه می‌باشد.

۲-۳- توسعه خدمات و بازار

• براساس پیمایش صورت گرفته در حال حاضر شرکت‌های ارائه دهنده سرویس‌های کلان داده‌ها در ۱۴ بازار عمودی در حال فعالیت می‌باشند که این موضوع نشان دهنده گستردگی بازار و تنوع کاربردهای این فناوری می‌باشد.

• ارائه سرویس‌های کلان داده‌ها توسط کسب و کارهای ایرانی در سال ۹۷ به ترتیب در بازارهای عمودی شامل «ساخت و تولید صنعتی»، «بانکداری»، «خرده فروشی»، «ICT» و «آموزش و تحقیقات» از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است که تا حدی مشابه بازارهای عمودی کلان داده‌ها در خارج از کشور می‌باشد و البته یکی از بازارهای عمودی که کمتر در داخل کشور به آن توجه شده است حوزه بهداشت و سلامت است. صنعت ICT به عنوان پیشگام این عرصه در سال ۹۶ درصد عمده‌ای از



فراوانی بازار کلان داده‌ها را به خود اختصاص داده بود. نتایج سال ۹۷ حاکی از آن است که سایر صنایع نظیر «ساخت و تولید صنعتی»، «خرده فروشی»، «بانکداری»، و آموزش و تحقیقات نیز به بازار کلان داده‌ها ورود پیدا کرده و سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند. افزایش فراوانی کسب و کارهای فعال در بازارهای خرده فروشی و آموزش و تحقیقات می‌تواند نشان دهنده افزایش تقاضا برای خدمات کلان داده‌ها در این حوزه‌ها نسبت به سال گذشته باشد.

همچنین فراوانی پروژه‌های کلان داده‌ای انجام شده در حوزه‌های «تحلیل رفتار مشتریان» و «هوشمندی کسب و کار» با الگوی یافت شده در این قسمت هماهنگی دارد چرا که این نوع پروژه‌ها در بازار خرده فروشی کاربردهای فراوانی دارد. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که با توجه به اهمیت بهره گیری از خدمات کلان داده‌ها در دو حوزه بانکداری و بیمه و کاربردهای ارزشمندی که می‌تواند در این حوزه‌ها ارائه شود، و با توجه به کمتر فعال بودن کسب و کارهای کلان داده‌ها در این دو حوزه به خصوص کاربرد «کشف تقلب و تشخیص ناهنجاری و مغایرت‌ها» که جزء اولویتهای کاربردی این صنعت می‌باشد، فعالیت در این حوزه‌ها می‌تواند فرصت خوبی برای کسب و کارهای نوپا محسوب شود.

• بر اساس نتایج پیمایش سال ۹۷، حدود ۸۰ درصد از ارائه دهندگان خدمات کلان داده‌ها در حوزه ارائه خدمات کاربردی و حوزه ارائه چارچوب‌های کاربردی فعال هستند. این نتیجه حاکی از افزایش قابل توجه سهم ارائه چارچوب‌های کاربردی شامل «خدمات زیرساخت»، «خدمات پلتفرم» و خدمات پردازش» می‌باشد که سهم هریک از این فعالیتها نیز نسبت به نتایج پیمایش سال گذشته افزایش داشته است. با این حال سهم نقش‌های مکمل همچنان درصد پایین‌تری نسبت به سایر نقش‌ها در زیست بوم کلان داده‌ها دارد. از این رو لازم است که بر نقش‌های مکمل نظیر مشاوره، پژوهش، ممیزی و حسابرسی در زیست بوم کلان داده‌ها به صورت ویژه تمرکز شود. : در بخش ارائه دهندگان خدمات کاربردی یا همان زنجیره ارزش کلان داده‌ها به ترتیب نقش‌ها و کسب و کارهای جمع آوری» و

«تحلیل» در زیست بوم کلان داده‌ها فعالان بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند که با مقایسه با نتایج پیمایش سال گذشته شاهد افزایش قابل توجه فعالیت جمع آوری داده‌ها در میان ارائه دهندگان خدمات کاربردی هستیم.

• در میان نقش‌های مکمل زیست بوم کلان داده‌ها نیز مشابه سال گذشته تعداد بیشتری از کسب و کارها در حوزه‌های تولید سخت افزار و نرم افزار و «مشاوره و آموزش» مشغول به کار بوده‌اند که این امر نیز به نوعی نشان دهنده نقطه قوت کسب و کارهای فعال در این نقش‌ها در زیست بوم کلان داده‌ها می‌باشد. دلیل این امر از یک طرف ناشی از ظرفیت بالای نیروی انسانی در کشور در حوزه نرم افزار و نیز سرمایه بر نبودن راه اندازی این کسب و کارها در کشور است. از سوی دیگر می‌توان تقاضای بالا در حوزه خدمات داده‌ای در حوزه آموزش را نیز از دیگر دلایل فراوانی بیشتر کسب و کارهای این حوزه برشمرد هر چند مشاوره و آموزش سهم پایینی را در میان کلیه فعالیت‌های این حوزه به خود اختصاص داده است.

۲-۴- کسب و کار و اقتصاد

• ۷۱ درصد از شرکت‌های مورد پیمایش، شرکت‌های کوچک و متوسط (با پرسنل کمتر از ۵۰ نفر) هستند. لذا نیاز است حمایت‌های لازم از این شرکتها برای تداوم و توسعه کسب و کارشان صورت گیرد. همچنین افزایش ۱۰ درصدی سهم شرکت‌های بزرگ نسبت به نتایج پیمایش سال گذشته، حاکی از ورود شرکت‌های بزرگ به بازار کلان داده‌هاست.

۲-۵- حقوقی و قانونی

• علیرغم اینکه استفاده از تکنیک‌های تامین حریم خصوصی توسط ارائه دهندگان خدمات کلان داده‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. بر اساس نتایج پیمایش سال ۹۷، ۲۴٪ از شرکتها از هیچ راهکار خاصی در این خصوص استفاده نمی‌کنند این امر می‌تواند ناشی از عدم استفاده این شرکتها از اطلاعات شخصی افراد باشد. با این حال لازم است در صورت مطرح شدن بحث داده‌های باز دولتی به این موضوع توجه بیشتری شود. همچنین ۴۰٪ از شرکتها از تکنیک رمزنگاری داده‌ها، ۱۶٪ از روش گمنام سازی و ۸٪ از تکنیک مستعارسازی برای تامین حریم خصوصی استفاده می‌کنند. بیشترین راهکارهای مورد استفاده جهت تامین صحت داده‌ها به ترتیب سامانه‌های نظارتی و کنترل دسترسی‌ها می‌باشند. از نقطه نظر قوانین، مقررات و استانداردها، شرکت‌های پردازشگر قوانین مرتبط با «امنیت داده‌ها» و قوانین داده دولتی باز و سپس «مالکیت داده» را در زمره اثرگذارترین قوانین و مقررات، و استانداردهای مرتبط با «فرآیندهای داده محور» را در زمره مؤثرترین استانداردها بر کسب و کارشان برشمرده‌اند.

• مهم ترین چالش‌های حقوقی و قانونی توسط شرکتها «کمبود شرکت‌های مشاوره‌ای حقوقی و مهارت‌های حقوقی در حوزه کلان داده‌ها» و «محدودیت‌های قانونی در حوزه کلان داده‌ها» ذکر شده است. برخی از فعالان این حوزه به فقدان مقررات لازم جهت دسترسی به داده‌ها و چالش‌های مرتبط با مالکیت داده و حریم خصوصی اشاره نموده‌اند.

۲-۶- آموزش و پژوهش

- به ترتیب تنها ۳۶ و ۱۱٪ از شرکتهای کلان داده ای مورد پیمایش، ارائه دهنده خدمات مکمل همچون «مشاوره و آموزش» و «پژوهش» در حوزه کلان داده‌ها در کشور بوده‌اند.
- بر اساس پیمایش سال ۹۷، به طور متوسط تنها ۱۷ درصد از نیروی انسانی متخصص شرکت‌های مورد پیمایش در حوزه ارائه خدمات کلان داده‌ها و به صورت واحدی مجزا در شرکت‌های مذکور مشغول به فعالیت هستند. بررسی نیروی انسانی فعال در زمینه کلان داده‌ها به تفکیک صنعت نیز نشان می‌دهد بالاترین سهم نیروی انسانی متخصص در این حوزه مربوط به ICT و بانکداری می‌باشد و سایر صنایع در صد کمی از نیروی انسانی فعال در این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند. چالش کمبود نیروی انسانی ماهر در حوزه کلان داده‌ها مختص کشور ما نبوده و این موضوع در سطح جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا بایستی سیاست‌ها و ساز و کارهای تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه کلان داده‌ها در اولویت برنامه‌های آموزشی مراکز آموزشی رسمی و حرفه‌ای قرار گیرد.
- در بعد فرهنگی و اجتماعی که مهم‌ترین بعد چالشی مورد اشاره فعالان این حوزه انتخاب شده است «فرهنگ پایین سازمان‌های کشور در شناخت و درک اهمیت کلان داده‌ها» مطرح شده است. همچنین مهم‌ترین چالش ذکر شده توسط شرکت‌های مورد پیمایش در حوزه فناوری کمبود نیروی انسانی و تخصص‌های مورد نیاز» و «کمبود تحقیق و توسعه در زمینه کلان داده‌ها» بوده است که مجدداً بر لزوم توجه به آموزش در این زمینه و تدوین و اجرای دوره‌های آموزشی دانشگاهی و کاربردی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه کلان داده‌ها تأکید دارد.





درايت در فناور اطلاعات

مترجم: دکتر محمدرضا اسمعيلي گيوي - هيات علمي گروه مديريت دولتي

چکیده

اگرچه اکنون مدیریت سبد دارایی فناوری اطلاعات (PORTFOLIO) یکی از بهترین اقدامات محسوب می‌شود، اما با این حال بسیاری از شرکت‌ها هنوز بازدهی کمتر از پتانسیل واقعی خود از سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات به دست می‌آورند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد مقدار قابل توجهی ارزش افزوده می‌تواند به وسیله اجرای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فراگردهای به هم پیوسته کسب و کار که روی هم رفته «درايت فناوری اطلاعات» نامیده می‌شود، به دست آید.

مفهوم «درايت فناوری اطلاعات» به معنای کاربرد پیوسته و برنامه ریزی شده‌ای از یک سری صلاحیتها و رویه‌های مرتبط است که روی هم رفته منشا ایجاد ارزش بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های فناوری اطلاعات می‌شوند. تجدید نظر در ارزش دارایی‌های فناوری اطلاعات فنون سرمایه‌گذاری موفق در سبد سهام فناوری اطلاعات، حوزه بحث را از مسائل فنی به مسائل راهبردی تغییر می‌دهد و این تغییر به واسطه به کارگیری یک نگرش تجاری به سرمایه‌گذاری‌های فناوری اطلاعات است. نتیجه آن عبارت است از تخصیص دارایی‌های فناوری اطلاعات به شکلی که مناسب شرایط شرکت باشد. در تحقیق ما چهار طبقه گسترده از سرمایه‌گذاری‌های فناوری اطلاعات شناسایی شدند: مبادله‌ای، اطلاعاتی، راهبردی و زیرساختی.

راهبردی در جهت کسب مزیت رقابتی به وسیله پشتیبانی از ورود به بازارهای جدید یا توسعه محصولات و خدمات جدید یا فراگردهای کسب و کار به کار می رود. سرمایه گذاریهای زیرساختی، خدمات مشترک فناوری اطلاعات هستند که با کاربردهای چندگانه به کار گرفته می شوند. (مانند سرورها، شبکه ها، لپ تاپ ها و پایگاههای داده مشتری) بسته به نوع خدمت، سرمایه گذاریهای زیرساختی نوعاً ایجاد پایگاه متعطفی در مسیر ابتکارات آینده کسب و کار یا کاهش هزینه های بلند مدت فناوری اطلاعات را از طریق مستحکم کردن آن هدف می گیرند. هر نوعی از سرمایه گذاری نمایانگر طبقه متفاوتی از دارایی فناوری اطلاعات با ریسک و بازده منحصر به فرد خود است. مدیریت سبد دارایی فناوری اطلاعات در حال تبدیل به یک روش متداول برای کمک به تیم های مدیریت است تا سرمایه گذاری های فناوری اطلاعات خود را با اهداف راهبردی کسب و کار همسو کنند. تفکر «سبد دارایی» به ما کمک می کند که بفهمیم سازمان ما از چه نوع است و میزان ریسک و خصوصاً حوزه فعالیت های راهبردی کسب و کار ما را تعیین می کند. سود ناشی از چهار طبقه دارایی های فناوری اطلاعات رویکرد تخصیص سبد سهام از آن جهت مؤثر است که به جای آنکه تمرکز آن بر خود فناوری باشد بر اهمیت چگونگی استفاده از فناوری تاکید می کند. لازمه تخصیص معقول دارایی این است که مدیر نسبت به اهداف خود و مسئولیتها کاملاً شفاف عمل کرده باشد. در سازمانهای با ادراک و درایت فناوری اطلاعات بالا، دیجیتالی کردن فرایندها منجر به خلق محصولات و خدمات ابتکاری جدید می شود. این موفقیت حاصل آزاد شدن ذهن مدیران و در نتیجه فراهم شدن امکان نوآوری آنان روی پایگاه این فراگردهای دیجیتالی است. فناوری اطلاعات راهبردی به خاطر اهداف خود که خلق ارزش جدید کسب و کار و با رشد است، همیشه یک طبقه ی دارایی با بازده و ریسک بالاست. شرکت های با درایت زیاد در فناوری اطلاعات، پنج عامل را در خود تقویت کرده اند که این عوامل متقابلاً همدیگر را تقویت می کنند. سه ویژگی اول اقداماتی هستند که به کاربرد مرتبطاند و دو خصوصیت آخر، شایستگی هایی هستند که برای درایت بالا در فناوری اطلاعات لازم هستند.

۱- فناوری اطلاعات برای ارتباطات: شامل کاربرد وسیع کانال های الکترونیک مانند پست الکترونیک، اینترنت و ابزارهای بی سیم برای ارتباطات درونی و بیرونی و شیوه های کاری می شود.

۲- کاربرد اینترنت: عبارت است از به کارگیری ساختارهای اینترنت در فراگردهای کلیدی مانند مدیریت نیروی فروش، سنجش عملکرد کارکنان، آموزش و حمایت از مشتری پس از فروش.

۳- مبادلات دیجیتالی: عبارت است از درجه بالای دیجیتالی شدن مبادلات تکراری شرکت بویژه فروش، تعامل با مشتری و خرید.

۴- مهارت های فناوری اطلاعات در سراسر سازمان: یعنی توانایی تقریباً تمام کارکنان در استفاده اثربخش از فناوری اطلاعات.

۵- مشارکت و درگیری ثابت مدیریت: یعنی تعهد مدیریت ارشد برای استفاده اثر بخش از فناوری اطلاعات. مدیران واحدها کاملاً درگیر تصمیمات فناوری اطلاعات و نیز تقویت مشارکت بین نیروی کار فناوری اطلاعات و واحدهای کسب و کار هستند تا زمینه خلق ارزش توسط سرمایه گذاری های فناوری اطلاعات را فراهم کنند. تعهد بالای مدیریت موجب می شود تا مدیران رده های پایین تر بیشتر درگیر تصمیمات فناوری اطلاعات بشوند. در عوض این رویکرد موجب ایجاد مهارت های گسترده فناوری اطلاعات از طریق برنامه های آموزشی رسمی و غیررسمی خواهد شد.



نظراتی در مورد کاربرد کلان داده در امور مالی و رشد شرکت‌های بزرگ

ترجمه : سما صداقت

نوشته‌ی جولیان بژناو و مریم فربودی و لورا ولدکمپ

چکیده :

کلان داده‌ها در امور مالی و رشد شرکت‌های بزرگ (BFV) در پی موشکافی نحوه‌ی عملکرد کلان داده‌ها در ارتباط با سایر شرکت‌ها از طریق تاثیر کلان داده‌ها بر هزینه‌های مالی خارجی می‌باشد. در این نوشتار سعی شده است بر این نکته تاکید گردد که کلان داده‌ها می‌توانند از طریق سرمایه گذاری بر روی سایر شرکت‌ها تاثیر بگذارند .

طبقه‌بندی JEL: E۲, G۱, D۸

واژگان کلیدی: داده‌های بزرگ، Fintech، اندازه شرکت

مقدمه:

در حال حاضر از واژه‌ی "ساختار شکنی" برای اشاره به مفاهیم تغییر دهنده‌ی نوآوری استفاده می‌شود.

با توجه به این گفتار، کلان داده چیست؟ اگر همین چند سال پیش می‌توانستید در کارنگی ملون با جمله‌ی "داده‌های بزرگ باید تا چه اندازه بزرگ باشند تا کلان داده محسوب شوند؟" یک مکالمه‌ی خوب شروع کنید، در

فرضیه‌ی اصلی نوشتار جولیان بژناو مریم فربودی و لورا ولدکمپ این است که داده‌های بزرگ به صورت مستقیم شرکت‌های بزرگ را تولید می‌کند. این ادعا به شدت هیجان انگیز و جالب است. تکنولوژی و شوک‌های نوآوری نه تنها باعث تغییراتی در خلاقیت می‌شود بلکه حتی نحوه‌ی سازماندهی جنبه‌های مختلف فعالیت های اقتصادی رانیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در نتیجه در کلان داده‌ها برآورد مدل‌های آماری و اطلاعات با محاسبات توزیعی امکان پذیر است. بر اساس تاکیده‌های مکرر حسابداری، دو راهی که این مدل‌ها و عملیات آماری و ماشینی می‌توانند در فعالیت شرکت‌ها تاثیر بگذارند، از طریق تغییر عملیات (دارایی‌ها) یا بودجه (بدهی یا حقوق صاحبان سهام) می‌باشد.

مقاله‌ی BFV به صورت خاص بر روی قسمت تغییر عملیات تمرکز کرده است. مبحثی که بیش از همه مورد بحث قرار گرفته است این است که کلان داده‌ها بر روی اصطکاک‌های اطلاعاتی تامین مالی خارجی تاثیر گذار بوده و آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهند. افزایش میزان داده‌ها و همچنین پیشرفت ابزارهای تحلیل داده‌ها، توانایی بیشتری برا تولید اطلاعات و سیگنال‌هایی در مورد ارزش کلی شرکت در اختیارمان قرار می‌دهد. قیمتی که واکنش و حساسیت بیشتری نسبت به ارزش شرکت داشته باشد و بیشتر منعکس کننده‌ی ارزش واقعی شرکت باشد، سرمایه‌گذاران را در راستای جذب سرمایه‌ی بیشتر ترغیب می‌کند و در نتیجه سریع‌تر رشد می‌کند.

نکته‌ی جالب توجه در این مقاله، این است که شرکت‌های بزرگ‌تر در تولید و تحلیل داده، اطلاعات و داده‌ی بیشتری تولید می‌کنند و در نتیجه از طریق تغییر در فرآیند تحلیل داده بیشتر از شرکت‌های کوچک‌تر سود می‌کنند.

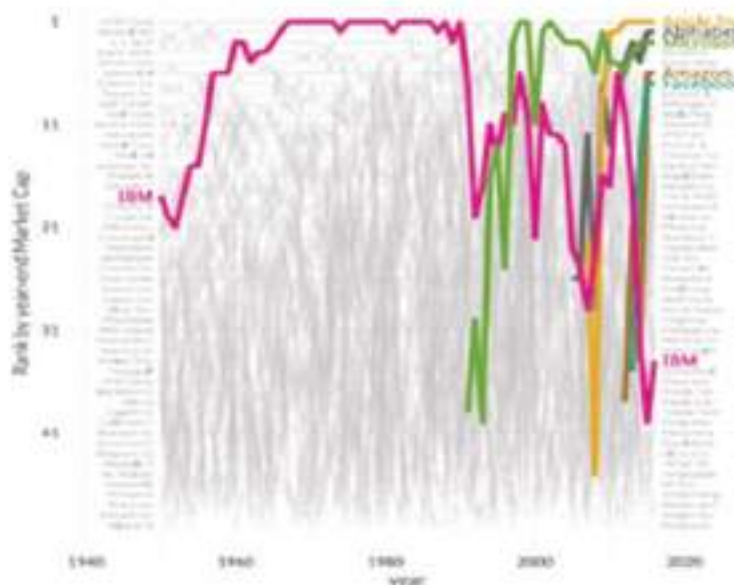
اینکه شرکت‌های بزرگ‌تر سود بیشتری می‌برند و بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند توزیع در اندازه‌ی شرکت‌ها را گسترده‌تر می‌کند.

به منظور مقایسه، بسیار جالب است که موشکافی کنیم که کلان داده‌ها چگونه به صورت مستقیم فرصت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند. یعنی آیا کلان داده‌ها برخی از فعالیت‌ها را یا ارزش‌تر می‌کنند؟

و اگر چنین است آیا این سود به نفع شرکت‌هایی

است که قبل از این عملیات نیز بزرگ بوده‌اند؟ شکل یک رتبه‌بندی شرکت‌های بزرگ بر حسب ارزش بازار آنها را نشان می‌دهد. این شکل اسپاگتی مانند، انعکاس‌کننده‌ی تکان‌های ناشی از نوسانات منحصر به فرد و تغییرات ناشی از رشد و نزول شرکت‌ها را نشان می‌دهد. شرکت‌های نفت، شرکت‌های فولاد، تولیدکننده‌های خودرو، هر کدام از این صنعت‌ها در دوره‌های مختلف نماد رشد صنعتی بودند. البته این فقط یک دیدگاه محدود به اقتصاد است. اما با این حال این نمودار نشان دهنده‌ی دوره‌ی رایانه‌های اصلی IBM و ظهور رایانه‌های شخصی و مایکروسافت در دهه‌ی ۱۹۸۰ را می‌باشد.

جالب‌ترین نکته‌ی این نمودار در تحلیل کاربرد کلان داده‌ها این است که در سال ۲۰۱۷، بزرگترین شرکت‌ها و نمادهای اقتصادی جهان، شرکت‌های کلان داده مانند Alphabet (google) و فیس بوک (و این تصادفی نیست که امروزه موضوعاتی مانند حریم خصوصی داده‌ها و مقررات داده‌های آنها مطرح است؛ برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کیم و روتلج (۲۰۱۷)) هستند. این برداشت از نمودار شکل یک را با ظهور عنوان CIO با "اطلاعات" در دسته‌ی شغل سطح C رشد در رشته‌های دانشگاهی که تجزیه و تحلیل داده یا یادگیری ماشین تدریس می‌کنند، گسترش محصولات داده محور مانند الکسای آمازون یا دستیار خانگی گوگل مقایسه کنید. به نظر می‌رسد بررسی تاثیر مستقیم داده بر روی سرمایه‌گذاری موثر و کمک کننده باشد. ارزش بازار به عنوان ضرب تعداد سهام بر قیمت آخرین روز معاملاتی در ماه دسامبر هر سال اندازه گیری می‌شود. منبع این داده‌ها CRSP. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۷ می‌باشد. رتبه‌ی هر شرکت بر اساس هر سال تقویمی تعیین شده است. نام‌های شرکت‌ها بر روی محور عمودی نوشته شده است.



شکل یک - رتبه بندی شرکت ها بر اساس ارزش بازار

می‌توان رقمی بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون نفر در نظر گرفت. برای جمع آوری ۴/۱ میلیارد دلار میزان ارزش مازاد به دست آمده از هر مشتری باید بین ۳۵ تا ۵۶ دلار افزایش داشته باشد. این محدوده قابل قبول به نظر می‌رسد (البته ظرفیت بیشتری برای حاشیه یا تصحیح میتوان در نظر گرفت). نکته‌ی قابل توجهی که هول فودز دارد این موضوع می‌باشد که داده‌هایی که آمازون از هول فودز استخراج می‌کند ارزش بیشتری دارد. اگر هر کدام از این داده‌ها قابلیت تعمیم یا مشاهده داشته باشد، آن وقت کلان داده‌ها (و پردازش کلان داده‌ها) تاثیرات بیشتری بر شرکت‌های بزرگ خواهند گذاشت.

برای مقایسه‌ی بیشتر می‌توان گفت که نگاهی کلی به نحوه‌ی تاثیر کلان داده‌ها و تکنولوژی بر روی سایر شرکت‌ها بهتر است نگاهی به تاثیر داده‌ها و تکنولوژی بر روی تاسیس شرکت‌های جدید نیز داشته باشیم. بیشتر نرم افزارهای کلان داده برای استفاده به صورت متن باز ارایه شده‌اند. بسیاری از مدل‌های کلان داده بر روی فضای ابری که

فرضیه‌ی BFV این است که کلان داده‌ها به طور نامتناسب و پراکنده ای به شرکت‌های بزرگ سود می‌رسانند. این که ببرسیم چرا بازده داده‌ها برای شرکت‌های بزرگ بیشتر است، سوال خوبی است. برای مثال در مالکیت شرکت هول فودز توسط آمازون، حق بیمه‌ای در حدود ۴/۱ میلیارد دلار بر ارزش پیش فروش در نظر گرفته شده است. آمازون چگونه این چنین بیمه ای را توجیه میکند؟ ممکن است آمازون برنامه‌هایی برای تحویل مواد غذایی در خانه داشته باشد، یا این که کارشناسان زنجیره‌ی غذایی آمازون ارزش بیشتری را از هول فودز به دست می‌آورند. برای استدلال و موشکافی بیشتر در نظر بگیرید که آمازون خواستار دسترسی به داده‌های هول فودز باشد

در حال حاضر آمازون داده‌های زیادی در مورد اعضای اصلی خود (افرادی که برای تحویل نامحدود در طی سال حداقل برای یک بار واریز داشته باشند) دارد. حدود ۵۰ تا ۸۰ میلیون مشتری اصلی برا آمازون تخمین زده می‌شود.

حتی اگر نصفی از این تعداد مشتری نیز در هولفودز خرید انجام دهند، تعداد داده‌های بهتر را

فرضیه‌ی اصلی در نظریه‌ی BFV این است که کلان داده‌ها علت به وجود آمدن شرکت‌های بزرگ هستند. که این فرضیه‌ی جالبی است. این مقاله اثبات محکمی در راستای چگونگی عملکرد این فرضیه از طریق پردازش هزینه‌های دسترسی به بازارهای مالی می‌باشد.

من فکر می‌کنم در نظر گرفتن و توجه به این موضوع که چگونه کلان داده‌ها سرمایه‌گذاری و فرصت‌های دینامیک سرمایه‌گذاری تاثیر گذار است موضوع جالبی باشد...

اجاره داده می‌شود، پردازش می‌شوند. نتیجه این است که هزینه‌ی تأسیس شرکت‌هایی که داده محور هستند به شدت کاهش می‌یابد.

"در حالی که پردازش اطلاعات به صورت متن باز باعث کاهش ۹۰ درصدی در نرم افزار های ما شدند، شرکت آمازون در مجموع ۹۰ درصد کاهش در کل هزینه‌های عملیاتی ما ایجاد کردند. آمازون به توسعه دهندگان ۲۲ ساله اجازه داد تا شرکت‌هایی را تأسیس کنند بدون این که نیازی به افزایش سرمایه داشته باشند."



گام به گام نایک تحلیل خوب بورس



افرادی که به تازگی وارد بازار بورس می‌شوند، تصور می‌کنند با یادگیری روش‌های تحلیل تکنیکال قادر خواهند بود وضعیت شرکت‌ها را بررسی کنند و تصمیمات درستی برای سرمایه‌گذاری خود بگیرند. این اشخاص تصور می‌کنند دو روش اصلی برای تحلیل بازارهای مالی وجود دارد (تحلیل تکنیکال و تحلیل فاندامنتال) و از آنجایی که تحلیل تکنیکال با نمودارهای زیبای بازارهای مالی سر و کار دارد، تحلیل تکنیکال برایشان جذاب‌تر و خفن‌تر (!) به نظر می‌رسد. این افراد معمولاً در میان‌مدت و بلندمدت سرمایه و دارایی خود را در بازارهای مالی از دست می‌دهند و احتمالاً بعد از این اتفاق، تصور می‌کنند بازار بورس یک بازار رانتی است و اگر پسر عمویشان مدیرعامل یک شرکت بورسی نباشد قادر به رشد سرمایه خود در بازار بورس نخواهند بود!

صبر کنید! این آخر داستان نیست. نکته‌ای که حرفه‌ای‌های بازارهای مالی به شما نمی‌گویند، این است که در واقع تحلیل تکنیکال و فاندامنتال دو روش مختلف تحلیل نیستند. در واقع بهتر است بگوییم هیچکس نمی‌تواند روش‌های تحلیل در بازارهای مالی را دسته‌بندی کند. این گفته که «دو نوع تحلیل وجود دارد که یکی تکنیکال و دیگری فاندامنتال نام دارد» بیش از اینکه متکی بر واقعیت بازارهای مالی باشد، سر و صدای اساتید بورسی برای پر کردن کلاس‌های آموزشی‌شان است.

یک تحلیل‌گر خوب بازارهای مالی، هیچ‌وقت به این مسئله فکر نمی‌کند که «آیا باید فاندامنتال تحلیل کنم یا تکنیکال؟» تحلیل‌گر خوب، راه و روش مشخصی برای تحلیل یک سهم یا ارز یا هر چیز دیگر در بازار دارد و این روش را به دقت دنبال می‌کند.

در این نوشته، یک روش منطقی و حرفه‌ای برای تحلیل یک سهم معرفی می‌شود. لازم به ذکر است این نوشته در بهترین حالت فقط سرنخی از روش انجام یک تحلیل درست به شما ارائه می‌کند و طبیعتاً یک تحلیل خوب نیاز به روزها و حتی هفته‌ها جمع‌آوری و پردازش اطلاعات دارد. برای مثال یک شرکت فعال در صنعت آلومینیوم را در نظر بگیرید.

قدم اول- بررسی وضعیت فروش: با مطالعه صورت‌های مالی و گزارشات فروش این شرکت در یک سال گذشته وضعیت فروش این شرکت مشخص می‌شود. تحلیل‌گر باید بداند فروش این شرکت در بازه زمانی مذکور، ثابت مانده، رشد داشته و یا کاهش یافته است. علاوه بر این، تحلیل‌گر باید روندهای فصلی فروش شرکت را نیز بشناسد. برای مثال ممکن است شرایط شرکت یا شرایط صنعت آلومینیوم به گونه‌ای باشد که میزان فروش بصورت طبیعی در فصل‌های خاصی رشد یا افت داشته باشد. مثال: در فصل زمستان روند ساخت و ساز در کشور افت می‌کند و از آنجا که صنعت ساختمان یکی از مهم‌ترین محل‌های مصرف آلومینیوم است، احتمالاً فروش این شرکت در فصل‌های سرد افت پیدا می‌کند.

قدم دوم- بررسی هزینه تامین مواد اولیه و نرخ فروش: شرکت‌های تولید آلومینیوم، بخش قابل توجهی از مواد اولیه مورد نیاز خود (در این مثال پودر آلومینا) را از خارج از کشور وارد می‌کنند. بنابراین در این صورت افزایش قیمت جهانی پودر آلومینا موجب کاهش سودآوری این شرکت‌ها می‌شود (همانگونه که افزایش قیمت جهانی آلومینیوم باعث افزایش سودآوری این شرکت‌ها خواهد شد). همچنین، افزایش نرخ ارز نیز موجب کاهش سودآوری این شرکت‌ها خواهد شد.

پس در قدم دوم قرار است بفهمیم شرکت مورد نظر دقیقاً چه مخارج و چه درآمدهای عمده‌ای دارد. برای مثال مخارج عمده یک شرکت آلومینیوم عبارت است از: هزینه تامین مواد اولیه، هزینه انرژی (زیرا صنعت آلومینیوم یک صنعت انرژی‌بر است) و هزینه حقوق و دستمزد کارگر؛ و درآمدهای عمده آن عبارت است از: میزان فروش در داخل و خارج از کشور.



قدم سوم - بررسی ریسک‌های شرکت: ریسک‌های صنعت و ریسک‌های ملی: برای مثال می‌دانیم در حال حاضر به علت تحریم، هیچ شرکتی (به جز یک شرکت هندی) حاضر به فروش پودر آلومینا به شرکت‌های ایرانی نیست. بنابراین یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ریسک‌های متوجه شرکت‌های آلومینیومی کشور، تامین پودر آلومینا است.

رکود اقتصاد کشور نیز یکی از عوامل تاثیرگذار بر این شرکت‌هاست. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های آلومینیوم قادر به فروش محصولات خود نیستند و تولیدات خود را انبار می‌کنند.



قدم چهارم - ارزش‌گذاری: در این قدم، تحلیل‌گر اقدام به ارزش‌گذاری هر سهم می‌کند. برای ارزش‌گذاری قیمت یک سهم، روش‌های مختلفی وجود دارد و در این جا مفهوم یکی از این روش‌ها ارائه می‌شود. فرض کنید شرکتی ۱۰۰۰ تومان دارایی و ۲۰۰ تومان بدهی دارد. پس دارایی خالص این شرکت ۸۰۰ تومان است. در این صورت اگر این شرکت به ۱۰۰ قسمت (۱۰۰ سهم) تقسیم شده باشد، هر سهم آن ۸ تومان ارزش دارد. بنابراین اگر قیمت هر سهم این شرکت در بازار سهام کمتر از ۸ تومان باشد، احتمالاً سهام این شرکت برای خرید خوب باشد.

گرچه این تمام ماجرا نیست، اما رعایت کردن همین چهار قدم تأثیرات به سزایی در معاملات شما خواهد گذاشت. پس از تمرکز بیش از حد روی تحلیل تکنیکال خودداری کنید و وارد دنیای تحلیل‌های حرفه‌ای شوید!

مصاحبه‌ها در مورد ادغام بانک‌ها



سعید بهروزی فر

بحران اقتصادی ۲۰۰۷ تبدیل به تهدیدی برای فروپاشی موسسات مالی بزرگ شد که سیاست دولت‌های محلی برای نجات بانک‌ها از بروز آن جلوگیری کرد. اما در نتیجه بحران مالی، بازارهای سهام در سراسر جهان با افت مالکیت و بیکاری‌های طولانی مدت همراه شد. رکود اقتصادی ناشی از این بحران رکود جهانی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ را پدید آورد، و در بحران بدهی اروپا نیز تاثیر گذار بود شروع این بحران در ۹ اوت سال ۲۰۰۷ به عنوان یک بحران نقدینگی تجلی پیدا کرد...

سال ۲۰۰۷ آمریکا درگیر بحران مالی بزرگی شد که تا سال‌ها بعد تاثیر منفی گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی گذاشت. بحرانی که با ورشکستگی موسسات مالی و زیان‌های اقتصادی گسترده سرمایه‌گذاران بخش‌های مختلف همراه بود. بسیاری از اقتصاددانان از این بحران به عنوان بدترین بحران مالی از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ یاد می‌کنند.

عواملی چون حذف نظارت دولتی در صنعت بانکداری، رشد حباب قیمت مسکن، شرایط آسان سپرده‌گذاری و دریافت تسهیلات، اخذ تضمین‌های ناقص برای وام‌دهی، سرمایه‌گذاری‌های جنون‌آمیز موسسات مالی و در نتیجه افزایش بی‌سابقه بدهی‌هایشان و... در شکل‌گیری این بحران اقتصادی موثر بودند.

✱ دی ماه سال گذشته بود که احمد حاتمی یزد (مدیر عامل اسبق بانک صادرات) در گفتگو با اعتماد آنلاین اطلاعات تازه ای از بانک های ایرانی به زبان آورد. او به صورت صریح تمام مؤسسات مالی ایرانی را ورشکسته خطاب کرد و گفت :

هیچ کدام از بانک های خصوصی و دولتی، یا بهتر بگویم بانک های خصوصی، کفایت سرمایه لازم را ندارند و بر اساس قانون تجارت، باید اعلام ورشکستگی کنند.

او برای ادعاهای خود آمارهای مختلفی را ارائه کرد که هر کدام از اوضاع بحرانی نقدینگی در ایران خبر می داد. به طور مثال به حجم بدهی بانک ها به بانک مرکزی اشاره کرد و عدد آن را بیش از یکصد هزار میلیارد تومان اعلام کرد. او راهکار ادغام مؤسسات مالی و بانک ها در یکدیگر که توسط بانک مرکزی ارائه شده بود را مورد انتقاد قرارداد و گفت:

در حال حاضر همه بانک های نظامی و خصوصی در کشور با بحران نقدینگی مواجه هستند؛ ادغام این بانک ها بحران تازه تری به راه خواهد انداخت و این مصداق اقتصاد رفاقتی است...

✱ بانک مرکزی در سالهای اخیر بر اساس مصوبات شورای پول و اعتبار و شورای عالی هماهنگی اقتصادی (سران سه قوه) اعلام کرد که ادغام بانک ها و مؤسسات اعتباری مطابق استراتژی های این بانک، عملیاتی خواهد شد. بانک مرکزی این تصمیم را گامی مهم در راستای حفظ ثبات و سلامت نظام بانکی کشور و ارائه بهتر خدمات به عموم مردم دانست. این تصمیم منجر به ادغام بانک ها و مؤسسات اعتباری و در نتیجه کاهش تعداد بانک ها و مؤسسات اعتباری در ایران خواهد شد...



به همین جهت است که در تمام کشور ها بانک ها صرفاً به عنوان کارگزار و با هدف غیر انتفاعی به متقاضیان سرمایه خدمت رسانی می کند و نهادی تحت عنوان بانک مرکزی بر عملکرد آن ها نظارت کامل دارد.

متقاضیان وجوه می توانند یا به صورت قرض الحسنه و یا با هدف کسب سود و سرمایه گذاری، از بانک ها، وام و تسهیلات دریافت کنند. تقسیم بندی خدمات واسطه گری پولی بانک ها به قرض الحسنه و تسهیلات، مفهومی است که از بانکداری بدون ربا نشأت گرفته، و در عمل این بخش از ماموریت بانک ها با پیش فرض بانکداری بدون ربا که در آن خرید و فروش پول نهی شده، در ظاهر مغایر است.

به زعم ادبیات بانکداری بدون ربا، این جابجایی پول نه تنها نفع اقتصادی نداشته بلکه موجب بروز تورم هم می شود. با این حال بخش مهمی از فعالیت بانکی خرید پول با بهای تمام شده مشخص و فروش آن با درصد معینی به تقاضا کنندگان سرمایه است. که بدیهی است اگر نظارت درستی بر اجرای این فرآیند وجود نداشته باشد، می تواند برای نظام اقتصادی کشور مشکل ساز باشد.

در پانزده سال اخیر همین نکته ی به ظاهر ساده به درستی رعایت نشده است. به نحوی که سیاست گذاری ها موجب شده بانک ها مجبور شوند پول را به قیمتی پایین تر از بهای تمام شده ی آن بفروشند. و این در عمل یعنی زیان دهی تمامی بانک های کشور!

بانک ها به رغم توانایی های ویژه ای که دارند توانسته اند تا حدی زیان های به وجود آمده را با عملی تحت عنوان 'این کلاه آن کلاه کردن' جبران کنند. یعنی کسری های ایجاد شده را با استفاده از سرمایه سپرده گذارانی که دائماً وارد چرخه بانک می شوند تامین کنند.

مشخصاً جبران کسری ها از این روش نمی تواند تا به ابد ادامه پیدا کند و حد معینی برای آن وجود دارد، که میزان آن به توانایی تولید کالا و خدمات کشور (رشد اقتصادی) بستگی دارد.

در جریان همین مباحث گفتگویی داشتیم با غلامحسین تقی نتاج...

سوابق غلامحسین تقی نتاج:

دکترای حسابداری از دانشگاه علامه طباطبائی، دانشیار حسابداری، دارای سوابق مدیریتی در بانک های کشور و کارشناس امور مالی، حسابرسی و بانکی و...

دکتر نتاج بارها در مقالات و سخنرانی های خود به لزوم دولتی شدن کامل صنعت بانکداری اشاره کرده و آن را نه به عنوان یک راهکار بلکه به عنوان تنها راهکار پیش رو بیان کرده است. وی خصوصی سازی بانک های ایرانی را از اشتباهات استراتژیک اقتصاد ایران می داند...

صنعت بانکداری رایج در دنیا، دو ماموریت اصلی برعهده دارد.

واسطه گری پولی که بانکداری را مستقیماً به سایر فعالیت های اقتصادی کشور گره می زند و اولین و اصلی ترین ماموریت بانک ها از گذشته تا به امروز است. یعنی سپرده یا پس انداز اشخاص حقیقی یا حقوقی (افراد، نهاد های دولتی و بنگاه های خصوصی) که اصطلاحاً مازاد نقدینگی اقتصادی دارند توسط نظام بانکی دریافت و به متقاضیان آن به صورت وام و تسهیلات ارائه می شود.

رشد اقتصادی با توانایی کشور در تامین مالی بصورت درون مرزی و همچنین قدرت استقراض از سایر کشورها تعریف می‌شود. با توجه به شرایط فعلی کشور در روابط بین‌المللی و سیاست‌گذاری های کلان ملی، ضعفی بنیادین در تامین مالی به شیوه دوم احساس می‌شود. در گذشته شاید مفهوم اقتصاد جزیره‌ای پاسخگوی نیازهای کشورها بود اما در عصر حاضر این شیوه از کارآمدی لازم برخوردار نیست.

در کنار موضوع گفته شده می‌توان ارجاعی به استراتژی خصوصی‌سازی بانک‌ها داشت که در ابتدا توسط خانم مارگارت تاجر و آقای ریگان در انگلیس و آمریکا کلید خورد و بعد در ایران هم اجرا شد.

در این بحث که سابقه‌ی طولانی‌ای هم برای آن مطرح است و حتی نظریاتی از آدام اسمیت در این باب نقل شده، همواره به ناکارآمدی‌هایی نظام دولتی اشاره دارد. به عنوان مثال از این حیث که وقتی سرمایه از خود فرد نباشد، استفاده‌های نادرست و حاتم‌بخشی‌هایی هم در استفاده از آن قابل انتظار است.

همچنین وقتی امکانات از شخص دیگری باشد، بشر توجه بیشتری به میل ذاتی کسب سود و منافع شخصی خود یا در اندازه‌ی بزرگتر منافع جناحی مربوط به خود پیدا خواهد کرد.

بنابراین تجربه نشان داد که با یک قاعده‌ی کلی وقتی اقتصاد کشورها به سمت خصوصی‌سازی حرکت کند، کارآمدتر خواهد بود.

اما در زبان علم تعمیم یک قاعده‌ی کلی به هر شرایط و وضعیتی صحیح نیست. شاهد این ادعا، برگشت خود کشورهای آغازکننده‌ی مسیر خصوصی‌سازی از پیاده‌سازی این امر در همه‌ی جوانب کار می‌باشد. با این حال از دوره‌ای به بعد، مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی‌سازی به ویژه در نظام بانکی و بیمه در ایران مطرح شد.

اما با قید متاسفانه باید گفته شود که خصوصی‌سازی بانک‌های ایران، در زمان درستی آغاز نشد. بایستی منتظر می‌ماندیم که خصوصی‌سازی در سایر بخش‌ها همانند تولید اندکی پا می‌گرفت و بعد روی خصوصی‌سازی بانک‌ها متمرکز می‌شدیم. هرچند که امروز پس از تجربیات فراوان این نکته را توضیح می‌دهم، ولی در همان ابتدای کار هم برخی صاحب‌نظران بر لزوم این صبورانه تاکید داشتند، اما آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفت.



بهر حال نمی‌توان زمان را به عقب بازگرداند، اما می‌شود در ادامه‌ی مسیر این نکات مورد توجه قرار بگیرد. خوشبختانه از جایی به بعد تصمیم بر آن شد که خصوصی‌سازی بانک‌ها در ایران متوقف شود.

دلیل اول عدم رعایت معادله‌ی درآمد-هزینه بود که در بالا به آن اشاره شد و دلیل آن را می‌توان به سیاست‌های اداره‌ی کشور ارتباط داد.

این امر مشخصاً در بسته‌های سیاستی، نظارتی کشور در حدود نیمه دوم سال‌های ۸۰ به بعد مشهود است. به طور مثال از بانک‌ها خواسته می‌شد که به سپرده‌گذاران چیزی حدود ۱۸ تا ۲۱ درصد سود اعطا شود. این عدد بخش اصلی قیمت تمام شده سرمایه در بانک‌ها است که با اضافه شدن هزینه‌های جاری بانکداری به آن، قیمت تمام شده نهایی سرمایه را بیش از ۲۰ درصد می‌سازد. در همان بسته سیاستی، نظارتی از بانک‌ها خواسته می‌شد که این سپرده‌ها را با نرخ ۱۵ تا ۱۷ درصد به متقاضیان وام و تسهیلات بپردازند، که بعدها این نرخ تا ۱۲ درصد هم پایین آمد.

مجموع این سیاست‌ها سال به سال بانک‌ها را از درون تضعیف کرد تا جایی که از حدود سال ۹۰ کلمه‌ای با عنوان ناترازی در ادبیات اقتصادی بانکی ایران پیدا شد.

ناترازی بانک‌ها در عمل یعنی دست بردن به جیب مردم (سپرده‌گذاران) و تشدید ناخواسته‌ی تورم در نظام پولی.

دلیل دوم آن است که خصوصی‌سازی صنعت بانکی انجام شد، ولی بستر خصوصی‌سازی در سیاست‌های دولت و مجلس جایی پیدا نکرد.

هر ساله مصوباتی در مجلس عنوان می‌شود که بانک‌ها بخشی از وام و تسهیلات را ببخشند. (بخشودگی وام و تسهیلات). در حالی که هیچ منبعی برای این بخشودگی تعریف نشده است!

دلیل سوم تحمیل انواع وام و تسهیلات به بانک‌ها تحت عنوان مصوبات کارگروه‌های استانی است که صراحتاً نه تنها سود آن، بلکه اصل پول پرداخت شده هم به بانک بر نمی‌گردد!

دلیل چهارم طرح‌های عجیب و کارشناسی نشده‌ای است که شاید از دیدگاه‌های کلان ملی صحیح باشد اما منابعی برای تأمین آن در نظر گرفته نشده است. مثل طرح کارگاه‌های زودبازده که حجم قابل توجهی زیان به بانک‌ها وارد نمود.

و دلیل آخر ایجاد قارچ‌وار موسسات پولی تحت عنوان موسسه‌های اعتباری در بخش تعاونی و قرض الحسنه، بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی بود که در یک مرحله در سال‌های اخیر موجب سوخت ۳۵ هزار میلیارد تومان منابع پولی کشور شد.

این‌ها مصادیق عینی ایجاد مشکل در اثر خصوصی سازی بودند.



به هر تقدیر برای توقف این میزان زیان‌دهی اقتصادی بهترین راه درس‌گرفتن از تجربیات بانکداری جهانی است.

در نظام جهانی برای مواجهه با مشکلات بانک مخرب یا زامبی‌بانک، یکی از راهکارها اعلام ورشکستگی بانک می‌باشد که زمینه‌ی آن به هیچ وجه در ایران وجود ندارد. از نظر فرهنگ اقتصادی رایج در ایران نمی‌توان در چنین حجمی دست به انحلال بانک‌ها زد.

راهکار بعدی استقراض خارجی است که در حدود سال ۲۰۰۶ در آمریکا، بیش از ۲۰۰۰ در زاین و در کشورهای حوزه اسکاندیناوی صورت گرفت. آمریکا یک سوم از کسری بودجه خود را از چین، یک سوم از اروپا و مابقی را خود تامین کرد. بدیهی است که مشخصاً امکان استقراض خارجی هم مانند انحلال در ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد.

این یک اصل ساده اقتصادی ست که وقتی میزان تقاضا برای یک کالا وجود داشته باشد، اما به قدر کافی آن کالا در بازار موجود نباشد، قیمت کالای مورد نظر بشدت افزایش پیدا خواهد و بیش تر از ارزش واقعی‌اش می شود.

ناترازی بانک‌ها در عمل یعنی دست بردن به جیب مردم (سپرده‌گذاران) و تشدید ناخواسته‌ی تورم در نظام پولی.

دلیل دوم آن است که خصوصی‌سازی صنعت بانکی انجام شد، ولی بستر خصوصی‌سازی در سیاست‌های دولت و مجلس جایی پیدا نکرد.

هر ساله مصوباتی در مجلس عنوان می‌شود که بانک‌ها بخشی از وام و تسهیلات را ببخشند. (بخشودگی وام و تسهیلات). در حالی که هیچ

منبعی برای این بخشودگی تعریف نشده است! دلیل سوم تحمیل انواع وام و تسهیلات به بانک‌ها تحت عنوان مصوبات کارگروه‌های استانی است که صراحتاً نه تنها سود آن، بلکه اصل پول پرداخت شده هم به بانک برنمی‌گردد!

دلیل چهارم طرح‌های عجیب و کارشناسی نشده‌ای است که شاید از دیدگاه‌های کلان ملی صحیح باشد اما منابعی برای تامین آن در نظر گرفته نشده است. مثل طرح کارگاه‌های زودبازده که حجم قابل توجهی زیان به بانک‌ها وارد نمود. و دلیل آخر ایجاد قارچ‌وار موسسات پولی تحت عنوان موسسه‌های اعتباری در بخش تعاونی و قرض الحسنه، بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی بود که در یک مرحله در سال‌های اخیر موجب سوخت ۳۵ هزار میلیارد تومان منابع پولی کشور شد.

این‌ها مصادیق عینی ایجاد مشکل در اثر خصوصی سازی بودند.

آیا بخش خصوصی اقتصاد ظرفیت مالی پذیرش این واگذاری‌ها را دارد؟ خیر، یکی از مشکلات این است که در حال حاضر به این نتیجه رسیدیم که جواب منفی است و اکنون بیش از هشتاد درصد اقتصاد ایران دولتی است.

با چنین درصدی نمی‌توان انتظار داشت که به سرعت همه چیز به درستی به بخش خصوصی سپرده شود.

بنابراین خصوصی‌سازی باید گام به گام در کشور رخ دهد و تا همین مرحله هم نباید به این سرعت انجام می‌شد. طرح‌هایی مثل سهام عدالت ابتدا باید تقویت می‌شدند. زمانی که عملاً همه‌ی تصمیم‌گیری‌های مربوطه دارد در بخش دولتی اتخاذ می‌شود نمی‌توان چنین طرحی را خصوصی دانست.

در سال‌های بعد از ۷۰ خصوصی‌ها که بخشی از خصوصی‌سازی را بر عهده گرفتند، مسیر ناگزیری بود که به دلیل همین عدم آمادگی بخش خصوصی واقعی صورت گرفت.

در ادبیات امروز اقتصادی و سیاسی ایران "خصوصیتی" اصطلاحی ست که به نهاد هایی اطلاق می شود که شاید به صورت اسمی دیگر زیر مجموعه دولت نباشند، اما سیاست گذاری ها و مدیریت کلان آن هنوز با دولت است. می توان مثال آن را نهادهای عمومی غیر دولتی ای مثل بنیادها دانست.

بخش خصوصی واقعی در ایران از لحاظ توان سرمایه بسیار ضعیف است و مضافا اشراف اطلاعاتی برای توزیع سرمایه بین آحاد واجد شرایط به صورت ناقص وجود دارد. از طرفی یکی از مسائل مطرح شده آن است که اغلب، بخش خصوصی به محض بدست آوردن منفعت موردنظر، آن را در اولین فرصت از کشور خارج می‌کند. بخشی از سرمایه‌گذاری‌هایی که در لبنان - عمان - گرجستان - قطر انجام می‌شود گواهی بر همین مدعاست. با مجموع این شواهد نمی‌توان چندان به دستیابی به رشد و توسعه‌ی اقتصاد از این ناحیه خوشبین بود.

موفق بودن یک یا دو بانک خصوصی را نمی‌شود گواه موفقیت خصوصی‌سازی دانست. برخی از بانک‌ها تنها ظاهراً آرای مطلوبی از وضعیت سودآوری‌شان داشتند در حالی که واقعیت چیز دیگری بوده است.

مشکلات نظام بانکداری کشور ریشه چندین ساله یا حتی یکصد ساله دارند. این مشکلات مانند غده‌ای سرطانی ست و احتیاج به جراحی دارد. هر چند بانک مرکزی در سال‌های اخیر سیاست‌های درستی را در پیش گرفته است، اما موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌های بانک مرکزی به تنهایی امکان پذیر نخواهد بود و همکاری همه‌ی بخش‌ها و ذی‌نفعان را می‌طلبد. خصوصا بازار سرمایه (بورس) که باید در کنار بانک مرکزی عمل کند تا از بدتر شدن این شرایط پیشگیری نماید.

بنابراین تجربه نشان داد که با یک قاعده‌ی کلی وقتی اقتصاد کشورها به سمت خصوصی‌سازی حرکت کند، کارآمدتر خواهد بود.

گاهی شاهد آن هستیم که برخی بانک‌ها با وجود حسابرسی‌های هر ساله ارزش خود را بیش از واقعیت ابراز می‌کنند. سازمان بورس باید از این بیش‌نمایی قیمت جلوگیری نماید تا خریداران واقعی سهام بدون آنکه کسی پاسخگوی ضررهای آنی آن‌ها باشند رها نشوند.

عده‌ای از سرمایه‌گذاران بازار بورس، سهامداران آگاه و اخلاقی هستند که خرید و فروش منطقی و منصفانه‌ای دارند و عده‌ای اصطلاحاً بورس‌باز هستند یعنی فعالان اقتصادی بی‌رحمی که با ایجاد هیجانات ناگهانی در بازار بورس به دنبال کسب حداکثر منفعت خودشان هستند. البته قرار نیست به دنبال حذف کامل حضور این بورس‌بازان باشیم، چرا که حضور این‌ها به خاطر شناخت حق‌ه‌های بازار سرمایه، منافع‌ی برای بازار نیز در پی دارند. وجود بورس بازها در کنار مدیریت درست و اصولی سازمان بورس، خسارت دیدگی سهام‌داران واقعی را کاهش می‌دهد.

نمونه‌ی ابزار کنترل نهاد نظارتی بازار سرمایه، توقف نماد بنگاه‌هایی است که ارزش سهم غیرواقعی ارائه می‌کنند. بانک مرکزی، بیمه مرکزی و بازار سرمایه همگی ابزارهای زیادی برای نظارت و کنترل دارند.

* امکان ظاهرآرایی مطلوب و مثبت نشان دادن صورت‌های سود و زیانی در بازار بورس برای بانک‌های دولتی (و خصوصی) هم وجود دارد، چرا انگشت اتهام به سمت بانک‌های دولتی گرفته نمی‌شود؟

بانک‌های دولتی متعلق به همه‌ی آحاد جامعه هستند و اگر زیان‌ده هم باشند آن زیان قابل توجیه و قابل دفاع است. ولی وقتی بانک غیردولتی زیان‌ده می‌شود، اصطلاحاً زیان از جیب آحاد جامعه برای متافع تعداد محدودی از سرمایه دارانش می‌رود.

زیان برای تولید کالاهای عمومی قابل دفاع تر است تا ایجاد زیان برای تولید کالاهای خصوصی. بخش خصوصی باید سودآور باشد و به محض تداوم زیان‌ده شدن، ادامه‌ی آن منطقی نیست.

* شاید عجیب باشد که در دوره‌ای، چندین موسسه مالی با مجوز بانک مرکزی یا ارگان‌های دیگری که اجازه فعالیت مالی می‌دهند، شروع به کار می‌کنند و چند سال بعد بحران عظیم پولی و مالی را پدید می‌آورند و میلیون‌ها سپرده‌گذار را به زیان دهی می‌رسانند و کلی از سرمایه‌ها کشور را سوخت می‌کنند و... نقش دستگاه‌های نظارتی در این میان چه بوده است؟

مؤسسات غیرمجازی که قبل از سال ۸۳ شروع به کار کردند مجوز و محوریت عملشان با بانک مرکزی نبود. در سال ۸۳ قانونی در مجلس تصویب شد مبنی بر آنکه هر فعالیت اقتصادی‌ای که قرار است انجام شود باید با مجوز و محوریت بانک مرکزی فعالیت کنند.

(تمامی مؤسسات مالی، لیزینگ‌ها و بانک‌ها) این قانون تحت عنوان قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی به تصویب رسید ولی در زمان تصویب بیش از ۹۰۰ تعاونی اعتبار، و بیش از ۶۰۰۰ صندوق قرض‌الحسنه وجود داشت، ۱۲ سال برای رفع این غده‌های سرطانی تحت عنوان تعاونی‌های اعتباری غیرمجاز زمان صرف شد. هر چند که ابعاد این صندوق‌ها و مؤسسات، نسبت به بانک‌های زیان‌ده حال حاضر بسیار کوچک تر است.



ادغام بانک‌ها

۱۲ سال برای رفع این غده‌های سرطانی تحت عنوان تعاونی‌های اعتباری غیرمجاز زمان صرف شد. هر چند که ابعاد این صندوق‌ها و موسسات، نسبت به بانک‌های زیان ده حال حاضر بسیار کوچک تر است. وجود موسسات غیرمجاز و آسیب‌هایی که به اقتصاد کشور وارد آوردند را نمی‌توان تماماً کوتاهی بانک مرکزی دانست. چرا که این موسسات مطابق قانون بعد از سال ۸۳ غیرمجاز محسوب می‌شوند نه قبل از آن. ناترازی‌هایی که این موسسات ایجاد کردند به اقتصاد کل ایران تحمیل شد. از سال ۹۱ به اینطرف بانک مرکزی با سخت‌گیری شدیدی مجوزی برای موسسات اعتباری جدید صادر نکرده است.

با اطمینان می‌توان گفت که هیچ بانک خصوصی موفق‌تری وجود ندارد.

❖ پروسه سالم سازی نظام بانکی و برگشت تمام صنعت بانکداری به دست دولت چند سال زمان خواهد برد؟

هیچ زمان قطعی‌ای نمی‌شود برای ریشه‌کن کردن مشکلات ناشی از خصوصی‌سازی صنعت بانکی ارائه کرد. تعیین و تکلیف سهامداران، وضعیت حقوقی بانک، امنیت سپرده‌گذاران و... همگی بسیار عمیق و زمان‌بر هستند. اما بصورت تقریبی فرآیند ادغام بانک‌ها بین ۵ تا ۷ سال زمان خواهد برد. برگشت از خصوصی‌سازی یا دولتی‌سازی مجدد هم حدود یک دهه یا بیشتر زمان خواهد برد.

منابع:

- 1) Ewens, M., Nanda, R., Rhodes-Kropf, M., 2016. Cost of experimentation and the evolution of venture capital, mIT Working Paper.
- 2) Greenwood, J., Yorukoglu, M., 1997. 1974. In: Carnegie-Rochester conference series on public policy. Vol. 46. Elsevier, pp. 49-95.
- 3) Kim, T. W., Routledge, B., 2017. Algorithmic transparency, a right to explanation, and placing trust, carnegie Mellon University Working Paper.